

غلبه واقع گرایی بر ایدئولوژی

درباره روند جدید در همکاری سه جانبه ایران، عربستان و ترکیه



آرام حسن‌زاد

پژوهشگر حوزه روابط بین‌الملل

در هفته گذشته، مقامات بلندپایه ترکیه و عربستان سعودی به‌طور جداگانه به تهران سفر کردند تا درباره دغدغه‌های مشترک خود و مسیرهای ممکن همکاری به گفت‌وگو بنشینند. به‌طور سنتی، ترکیه، ایران و عربستان سعودی از قدرت‌های عمده منطقه‌ای در خاورمیانه به شمار می‌روند. همکاری یا رقابت میان این کشورها در خلّارخ نمی‌دهد؛ بلکه داینامیک‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی روابط آن‌ها دارند. در دو دهه اخیر، روابط آنکارا با ریاض و تهران بارها دچار نوسان شده است. در دهه ۲۰۰۰، توازن قدرت منطقه‌ای به نفع ایران بود؛ به‌ویژه پس از پیامدهای حمله آمریکا به عراق، و همین عامل ترکیه و عربستان را به نزدیکی روابط سوق داد. در دهه ۲۰۱۰، با تنش در روابط ترکیه و عربستان به دلیل تحولات منطقه‌ای، آنکارا و تهران در پرونده‌های مشخصی مانند سوریه به همکاری پرداختند. بااین حال، در سیاست بین‌الملل دشمنان و متحدان دائمی وجود ندارند؛ تنها منافع دائمی هستند. تجربه خاورمیانه نشان داده است که دشمن دیروز می‌تواند متحد فردا باشد. تغییرات ژئوپلیتیکی و ناآمنی‌های نوظهور، کشورها را وادار می‌کند تا اختلافات ایدئولوژیک را برای حفظ ثبات منطقه‌ای کنار بگذارند. ما اکنون شاهد وقوع موقعیتی مشابه هستیم.

در روابط ریاض و آنکارا با تهران، همکاری و رقابت همزمان جریان دارد و نوعی تعادل ایجاد می‌کند اما نباید ساده‌انگارانه تصور کرد که تفاوت‌های اهداف منطقه‌ای این کشورها وجود ندارد. شدت گرفتن تماس‌ها میان آن‌ها فراتر از فعالیت‌های دیپلماتیک معمول است و نشان‌دهنده تلاش برای تغییر ماهیت روابط است. الگوهای دیپلماتیک اخیر نشان می‌دهد که این سه قدرت به دنبال چارچوبی جایگزین برای همکاری منطقه‌ای هستند؛ چارچوبی که فراتر از تعاملات دوجانبه، به همکاری سه‌جانبه بیانجامد. ترکیه و ایران همسایگانی هستند که در چندین جبهه منطقه‌ای باهم تفاوت دارند. با این حال، روابط آن‌ها بین رقابت مدیریت‌شده و همکاری نوسان می‌کند و تفکیک مسائل مختلف، عامل اصلی شکل‌دهی به روابط تهران و آنکارا بوده است. علاوه بر این، ترکیه از حامیان مصالحه میان عربستان و ایران بوده است. تغییرات در پیکربندی امنیتی و قدرت در منطقه و نحوه ادراک این تغییرات از سوی تهران و ریاض، عامل مهمی در تداوم این مصالحه است. تعامل میان نگرانی‌های امنیتی، همبستگی در مسائل غزه و دیگر مسائل منطقه‌ای، محور اصلی فرآیند جاری میان عربستان و ایران بوده است.

امروز، میان این سه قدرت اجماع هنجاری در خصوص مسئله فلسطین و جست‌وجوی مشترک برای «همبستگی منطقه‌ای» وجود

از «کارشناسی» تا «بارشناسی»

تأملی بر سر نوشت شورایاری‌ها در تهران



ابراهیم علی‌پور

کارشناس مدیریت شهری

در سال‌های پایانی دوره چهارم شورای شهر تهران، درست زمانی که طرح کنار گذاشتن «شورایاری» و جایگزینی آن با مدل انتصابی «هیئت امنای محلات» قوت گرفته بود، به‌همراه جمعی از پیشکسوتان این حوزه تصمیم گرفتیم با یکی از اعضای اثرگذار شورا دیدار کنیم؛ شاید توانیم با تبیین مزایا و معایب دو الگوی انتخابی و انتصابی، از انحلال شورایاری‌ها جلوگیری کنیم. روز ملاقات فرا رسید. هنوز چند دقیقه از حضورمان در دفتر ایشان نگذشته بود که بی‌مقدمه پرسید: «خب، چه می‌خواهید بگویید؟» یکی از همراهان که سال‌ها سابقه دوستی با او داشت، گفت: «برخی نکات کارشناسی درباره شورایاری و هیئت امنا داریم که مایل به گفت‌وگو هستیم.» اما پاسخ آن عضو شورا نمنتها عجیب، بلکه تکان‌دهنده بود: «مگر ما بارشناس هستیم که شما بخواهید نظر کارشناسی بدهید؟ من خودم کارشناس هستم و طرح هیئت امنا هم بر اساس نظر کارشناسی تدوین شده.» ما نیز با لبخندی کوتاه، ختم جلسه را اعلام کردیم؛ زیرا روشن بود که گوش شنوایی وجود ندارد. جالب آنکه هنوز هم هرگاه ایشان را می‌بینم، بی‌اختیار به یاد «بارشناسان میدان میوه و تره‌بار» می‌افتم؛ نمی‌دانم چرا. نتیجه آن دوره نیز روشن است: شورایاری‌ها در دوره پنجم، زیر فشارهای سیاسی و اجرایی و در سایه همان نوع نگاه، منحل شدند و مدل انتصابی هیئت امنّا — حتی با حمایت تمام‌قد شورای ششم و تلاش‌های گسترده طراحان آن — راه به جایی نبرد. امروز نیز ستاد مشارکت‌های مردمی شورا، به‌دلیل مداخلات و ترندهای اجرایی ستاد راهبری مدیریت محله در شهرداری، در وضعیتی آشفته و سردرگم قرار دارد.

دارد. در یک نشست خبری مشترک، وزرای خارجه ترکیه و ایران اسرئیل را «بزرگ‌ترین تهدید برای ثبات خاورمیانه» معرفی کردند و به وضعیت غزه، تنش‌ها در لبنان و سوریه و نگرانی‌های گسترده‌تر درباره «سیاست‌های توسعه‌طلبانه» اسرئیل اشاره کردند. اگر چه هر سه کشور موضع قاطعی در قبال اسرئیل دارند، هماهنگی کنونی آن‌ها ایدئولوژیک نیست و بر مبنای منافع عملی شکل گرفته است. اظهارات مقامات نشان می‌دهد که منطقه‌نه‌در آستانه، بلکه هم‌اکنون در مر حله‌ای حساس قرار دارد و توجه‌ها بر چگونگی مدیریت روابط این کشورها برای کاهش تنش‌ها متمرکز شده است. وقتی اسرئیل در ژوئن به ایران حمله کرد، آنکارا حق «مشروع» تهران برای دفاع از خود را به رسمیت شناخت؛ موضعی که در ریاض نیز مورد تأیید قرار گرفت و اسرئیل به‌طور علنی محکوم شد.

حملات اسرئیل نگرش منطقه‌ای این کشورها را تغییر داده است. برای مدت طولانی، ایران از سوی ترکیه و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به‌عنوان عامل اصلی بی‌ثباتی منطقه شناخته می‌شد، اما امروز اسرئیل نقش اصلی را به عهده گرفته است. برخی مقامات شورای همکاری نیز نسبت به خطر انزوای ایران هشدار داده‌اند و به همین دلیل ترکیه و کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌کوشند از طریق روابط خود با غرب، مانع از انزوا و تضعیف ایران در مواجهه با اسرئیل شوند. ایران امروز با ده سال گذشته تفاوت دارد. پارامترا و برداشت‌ها تغییر کرده‌اند و تهران نیز سیگنال می‌دهد که می‌خواهد از فرصت‌های دیپلماتیک تازه با آنکارا و ریاض بهره‌برداری کند. با وجود موضع قاطع در برابر اسرئیل، هماهنگی میان این سه کشور بیشتر مبتنی بر منافع عملی است و نه ایدئولوژی. برای تقویت این هماهنگی، نیاز به نهادهای منطقه‌ای کارآمد وجود دارد. عضویت‌های فعلی آنها —مانند ترکیه در ناتو، عربستان در شورای همکاری و ایران در سازمان همکاری شانگهای— تأثیر منطقه‌ای گسترده‌ای بر همکاری سه‌جانبه ندارد.

بااین حال، سازمانی وجود دارد که هر سه قدرت عضو آن هستند و می‌تواند به عنوان سکویی برای پیگیری دغدغه‌های مشترک مورد استفاده قرار گیرد. ترکیه، عربستان و ایران اعضای فعال سازمان همکاری اسلامی هستند که می‌تواند عرصه‌ای برای نمایش تعهد این کشورها به حل مناقشات منطقه‌ای فراهم کند. اگر چه این سازمان ظرفیت نقش آفرینی مؤثر در صلح را دارد، اما ضروری است که اعضا گام‌های بیشتری برای پایان دادن به تجاوزات اسرئیل بردارند. به‌عنوان اعضای کلیدی سازمان همکاری اسلامی، ترکیه، عربستان و ایران نگرانی عمیقی از خطر بی‌ثباتی منطقه‌ای یا احتمال وقوع جنگ دارند. همکاری آن‌ها در جریان جنگ غزه، حتی در قالب جبهه دیپلماتیک مشترک، اهمیت بالایی داشت. تلاش‌های مستمر و ملموس‌تر برای نوعی همکاری مشابه، برای تعمیق روابط و تقویت جایگاه سازمان همکاری اسلامی ضروری است.

تا پیش از آن، بحث اصلی بر سر چگونگی تشکیل شورایاری‌ها بود؛ نه بود یا نبود آن. وزارت کشور برگزارای انتخابات محلی را حاکمیتی می‌دانست و با برگزاری انتخاباتی مشابه انتخابات رسمی در تهران مخالف بود. اما ورود شتاب‌زده جریان‌های سیاسی، که بیشتر به دنبال چیدمان نیروهای همسو در محلات بودند تا تقویت مشارکت شهروندی، دوباره بحث را به «فلسفه وجودی شورایاری» بازگرداند. برای برخی، داشتن چند نیروی دارای «حکم انتصابی» در محلات، بسیار کارآمدتر از نمایندگان منتخب مردم بود؛ هر چند کارآمدی‌شان در حل مسائل محله محل تردید بود، اما در بزنگاه‌های انتخاباتی، نقشی کاملاً راهگشا ایفا می‌کردند.

واقعیت این است که شورایاری نهادی اجتماعی بود که وظیفه داشت نیازها و مشکلات ساکنان را شناسایی کند، اولویت‌بندی کند، بر عملکرد مدیریت شهری نظارت کند و در چارچوب مأموریت‌های قانونی، مشورت‌دهنده شورا و شهرداری باشد. بی‌تردید توانمندی اعضا —تحصیلات، تجربه و تخصص— شرط لازم بود؛ اما شرط کافی، باور و پایبندی مدیریت شهری به مشارکت سازمان‌یافته شهروندان بود؛ باوری که کمتر دیده شد. نمی‌توان انکار کرد که مدیریت شهری در ایران در بستری از ساختار اداری-سیاسی متمرکز فعالیت می‌کند؛ ساختاری که برنامه‌ها در آن از بالا تدوین و به پایین ابلاغ می‌شوند. حال آنکه فلسفه شورا‌ها در قانون اساسی، معکوس کردن این روند و کاستن از فاصله مردم و دولت است تا سیاست‌گذاری‌ها بر واقعیت‌های محلی تکیه داشته باشند، نه ذهنیات اداری. امروز در آستانه برگزاری هفتمین دوره انتخابات شورای شهر تهران —آن هم با مدل جدید تناسبی— ایستاده‌ایم؛ انتخاباتی که تأثیر مستقیم بر کیفیت اداره شهر و زندگی میلیون‌ها نفر دارد.

این واقعیت ایجاب می‌کند که: عقلانیت کارشناسی بر فرآیندها حاکم باشد؛ از ظرفیت‌های بومی محلات و مشارکت مردمی به‌درستی استفاده شود و مهم‌تر از همه، «کارشناسی» جای خود را به «بارشناسی» ندهد. تهران بیش از هر زمان دیگر نیازمند مشارکت اصیل، شفاف و مؤثر شهروندان است؛ نه سازوکارهایی که تنها پوسته‌ای از مشارکت را حفظ می‌کنند.

تغییر سوال و جواب از وزرا؟

اظهارات **محمد باقر قالیباف** درباره اصلاح آیین‌نامه داخلی مجلس

به این صورت که اگر استیضاح اعلام وصول شود و سپس ده نفر امضای خود را پس بگیرند، حتی بدون وجود امضا، استیضاح مسیر خود را طی می‌کند و نهایتاً درباره آن تصمیم گرفته می‌شود. درباره سؤال نیز اگر کمیسیون آیین‌نامه داخلی به نتیجه برسد پیشنهاد این است که هر سؤالی که به‌صحن می‌آید الزاماً باید به رأی صحن گذاشته شود. برای این کار باید آیین‌نامه اصلاح شود و پس از تنظیم‌نهایی در کمیسیون، به صحن ارائه می‌شود و در صورت کسب رأی دوسوم نمایندگان، این نقص برطرف خواهد شد.

رضا جباری، عضو هیئت‌رئیس مجلس نیز تأکید کرد: «این پیشنهاد در کمیسیون رأی آورده و به‌زودی برای طی مراحل اصلاحی به هیئت‌رئیس ارسال خواهد شد.»

❖ قهرمان‌سازی از نمارض یک زن در مجلس

اما این تنها موضوعی نبود که نمایندگان به آن پرداختند. آنها از شرایط معیشتی و اقتصادی ناگوار مردم گفتند و بر خی دیگری به دلار ۱۲۵ هزار تومانی اشاره کردند. اما یکی از نمایندگان که پیش از این موضعی اشتباه گرفته بود به جای آن که مواضع خود را اصلاح کند بهترین راه راه حمله به قوه قضائیه دانست. **محمد منان‌رئیس، نماینده قم** در تذکر شفاهی خود مدعی شد: «متأسفانه مطلع شدم که اخیراً یکی از بانوان فعال در عرصه عفاف و حجاب که در یکی از تجمعات مخالفت با بی‌جوابی حضور داشته و سخنرانی کرده است؛ برای چندمین بار از سوی نهادهای امنیتی و قضایی احضار شده است و با وضع بسیار ناپسند از وی بازجویی کرده‌اند و متأسفانه وی چند ساعت پس از بازجویی از شدت ناراحتی، دچار شوک شدید شده و این شوک منجر به سکنه گذرا شده و سپس وی در بیمارستان بستری شده است. من از عزیزان نهادهای امنیتی و قضایی می‌خواهم بپرسم که واقعاً در این شرایط بغرنج معیشتی و اقتصادی مملکت که یک عده از خدای‌بی‌خبر معیشت مردم را گروگان گرفته و سوءاستفاده می‌کنند، شما به جای این که هم و غم خود را روی بر خورده با زالوصفت‌ها بگذارید، بقیه چهار انقلابی بی‌پناه را می‌گیرید؟ آیا ما برای این وضعیت انقلاب کرده‌ایم؟ ۳۰۰ هزار شهید دادیم تا انقلابی‌ها را بگیرید؟» او افزود: «چرا به جای بازجویی از این افراد، کسی که اول انقلاب مستأجر بود و الان ارزش ملک وی در شمال تهران نجومی شده است را دستگیر نمی‌کنید؟ چرا کسی را که در زمان وزارت، برخی نماینده‌های مجلس را با واگذاری آپارتمان رانتی آلوده کرد احضار نمی‌کنید. چرا کسی که با بانک ناتراز تورم را به مردم کشور تحمیل کرده احضار



تکس: شورای شهر

تنش و درگیری در جلسه دیروز شورای شهر تهران

رقابت زود هنگام انتخاباتی کلید خورد

جریان مستقر در شهرداری تهران هستیم و قرارگاه مشترکی ایجاد کرده‌ایم تا آقای زاکانی در شهرداری تهران باقی‌بمانند. دوستان کمی زود وارد فاز تبلیغات مرتبط با آینده سیاسی و انتخابات شده‌اند. تقاضای من این است؛ پولی که امروز با سختی فراوان و با مشکلات متعدد تأمین می‌شود نباید صرف این اقدامات نمایشی شود. این به نفع خودتان است و اگر می‌خواهید زاکانی در دوره بعد مدیریت شهری، شهردار باشد و جریان سیاسی شما همچنان در هیئت حاکمه شهرداری باقی بماند، به جای اقدامات نمایشی، این منابع را صرف پروژه‌های واقعی شهری کنید.» او افزود: «میلیاردها تومان در صد اوسیمما که اتفاقاً همسوی سیاسی با این دوستان است، هزینه می‌شود تا کارنامه‌ای موفق ساخته و ارائه شود. حرف من روشن است: اگر این پول‌ها به جای فضا سازی و تبلیغات، صرف انجام کار واقعی برای مردم شود، قطعاً اثرگذاری آن به‌مراتب بیشتر خواهد بود. این منابع باید برای خدمت به مردم هزینه شوند، نه برای آینده سیاسی برخی جریان‌ها.»

❖ حامیان زاکانی شورای شهر را به تنش کشاندند

این تذکر اما به مذاق حامیان سفت و سخت زاکانی خوش نیامد. احمد صادقی، عضو شورای شهر تهران در اعتراض گفت: «تذکرات ۳ دقیقه‌ای است. دوستان از فرصت تذکر تا ۱۰ دقیقه هم استفاده می‌کنند و از هر موضوعی می‌گویند ولی تذکر نمی‌گیرند. متوجه نشدم عکسی که چاپ و توزیع می‌شود چه ارتباطی با انتشار اوراق قرضه مالی اسلامی دارد. اگر قرار است اینطور باشد ما هم موضوعی که در تذکر نگوییم را هر زمان که خواستیم مطرح می‌کنیم.»

پرویز سسوری، نایب‌رئیس شورای شهر تهران یکی از عصبانی‌ترین حامیان بود که پیش‌تر با حضور در برنامه تصویری از انقای زاکانی در دوره بعد خبر داده بود. او با تشر گفت: «این چه ربطی به موضوع دستور جلسه داشت؟ ایشان بازکن از اد شورای شهر است. هر روزی که خواب می‌ماند یا دیر می‌آید موضوع تذکر خود را آسمان و ریسمان می‌کند و در قالب موضوعات مطرح‌شده در شورای شهر بیان می‌کند. هیئت‌رئیس باید جلوی این موضوع را بگیرد. ما درباره انتشار اوراق قرضه مالی اسلامی صحبت می‌کنیم، چه ربطی دارد که

گروه خبر: روز گذشته علاوه بر موضوعی همچون قیمت ارز و توضیحات عباس علی‌آبادی، وزیر نیرو درباره «تشکیل سازمان توسعه و بهره‌برداری نوین آب‌های جوی» و «بارورسازی ابرها»، موضوعی در صدر رسانه‌ها قرار گرفت که نفتن‌ها قوه مقننه بلکه قوه قضائیه هم درگیر شد. یکی از نمایندگان درباره بیمارستانی شدن (بر اثر سکنه) مهری طالبی دارستانی پس از احضار و پاسخگویی توسط نهادهای امنیتی و دستگاه قضا سخن گفت و قوه قضائیه و نهادهای امنیتی را زیر سؤال برد. قوه قضائیه بلافاصله در واکنش به این فضا سازی‌ها ادعای این نماینده را رد و اعلام کرد که هیچ‌گونه علام سکنه قلبی یا مغزی در وی مشاهده نشده و وضعیت بالینی او عادی گزارش شده است. دستگاه قضا در نهایت نسبت به انتشار اخبار نادرست و تشویش افکار عمومی هشدار داد.

❖ سوالات صدای رئیس را هم در آورد

حجم زیاد سوال از وزرا و استعفاها آنقدر زیاد شده که محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس هم به صرافت مدیریت آن افتاده است. شاید او هم به این نتیجه رسیده که عدم کارایی قابل قبول جامعه از وزرا به این دلیل است که آنها و برخی از معاونان شان وقت خود را مدام در راه، راهروها و کمیسیون‌های مجلس صرف می‌کنند و وقتی برای مدیریت وزارتخانه خود ندارند.

هادی قوامی، نماینده اسفراین و نایب‌رئیس اول کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات در تذکری به اصول ۸۸، ۸۹ و ۵۰ قانون اساسی استناد کرده و گفت: «وقتی نمایندگان از پاسخ وزیر در کمیسیون قانع نمی‌شوند و سؤال به صحن علنی ارجاع می‌شود، دیگر مجلس باید درباره آن نظر بدهد. اگر قرار بود همان پاسخ کمیسیون در صحن تکرار شود، بهتر بود همان جا اعلام می‌شد تا وقت مجلس گرفته نشود. من نسبت به نحوه قرار گرفتن این گونه سؤالات در دستور کار معترض هستم؛ زیرا نه سؤال به‌صورت کافی تشریح شد و نه نکته‌ای برای قانع شدن ارائه گردید. این روند موجب اتلاف وقت مجلس و ملت ایران می‌شود. همین بی‌نظمی‌ها باعث می‌شود ماده ۲۸ قانون برنامه اجرا نشود، محیط زیست آسیب ببیند، سدها در بستر رودخانه‌ها ساخته شود و آب با پمپاژ به بالا منتقل شود. وقتی سؤال در صحن مطرح می‌شود و سفره مجلس پهن می‌شود، باید انحرافات برطرف و نظارت مجلس به‌درستی انجام شود.»

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس در پاسخ به این تذکر تأکید کرد: «این نکته درستی است و در پیش جلسه صحن درباره آن صحبت کردیم. مشابه همین اشکال در فرآیند استیضاح هم وجود داشت که در آیین‌نامه اصلاح شده است؛